



پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

# تأثیرپذیری سبکی سحاب اصفهانی از سعدی و حافظ شیرازی

استاد راهنما:

دکتر محمدمیر مشهدی

استاد مشاور:

دکتر عبدالله واثق عباسی

تحقیق و نگارش:

معصومه علیمرادی

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

خرداد ۱۳۹۲

## بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان تأثیرپذیری سبکی سحاب اصفهانی از سعدی و حافظ شیرازی قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی توسط دانشجو معصومه علیمرادی با راهنمایی استاد پایان نامه دکتر محمدا میر مشهدی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن فقط به منظور اهداف آموزشی و با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می‌باشد.

معصومه علیمرادی

این پایان نامه ۴ واحد درسی شناخته می‌شود و در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۳۰ توسط هیئت داوران بررسی و درجه ..... به آن تعلق گرفت.

تاریخ	امضاء	نام و نام خانوادگی	
		محمد امیر مشهدی	استاد راهنما:
		عبدالله واثق عباسی	استاد مشاور:
		عباس نیکبخت	داور ۱:
		محمود عباسی	داور ۲:
		معظم خسرو جردی	نماینده تحصیلات تکمیلی:



## تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب معصومه علیمرادی تعهد می کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: معصومه علیمرادی

امضاء

تقدیم به:

بال‌های پروازم؛

پدر و مادر عزیزم

و هم‌آشیانم؛

همسر مهربانم امین خوشنویسان

## چکیده:

سید محمد سحاب اصفهانی، از شاعرانِ باذوقِ عصر قاجار و از ستایشگران فتحعلی شاه است. او قریحه‌ی سخن‌سرایی را از پدرش هاتف اصفهانی به ارث برده، که وی نیز از شاعران برجسته‌ی دوره‌ی بازگشت ادبی است؛ دوره‌ای که در آن گروهی از شاعران، از ابتدالی که در سبک هندی به وجود آمده بود رویگردان شدند و به منظور احیای زبان و شعر پارسی، که به زعم آنان و بسیاری از سخنوران - به انحطاط و رکود گراییده بود؛ اشعار خویش را به سبک قدما و به‌ویژه، شاعران شاخص سبک خراسانی و عراقی سرودند و در نتیجه شاعران زیادی به شیوه‌ی آنان روی آوردند.

در این جرگه، سحاب نیز در سرودن غزلیات خویش از شیوه‌ی شاعران قرن هفتم و هشتم هجری و به طور اخص سعدی و حافظ شیرازی پیروی نموده و در این راه از غزل این دو بهره‌های فراوان برده. سحاب به دلیل آشنایی با علوم بلاغی و تتبع در آثار قدما توانسته است تا حدّ زیادی ذهن و زبان خودش را به شاعران غزلسرای قرن هفتم و هشتم نزدیک کرده و به خوبی از عهده‌ی نظیره‌گویی غزلیات حافظ و سعدی برآید. نظر به اینکه تاکنون در مورد تأثیرپذیری سحاب از این دو شاعر بلندپایه‌ی ادبیات پارسی، هیچگونه پژوهشی انجام نشده، جستار حاضر این فرضیه را که "سحاب در غزلیاتش از نظر صورت و معنا کاملاً تحت تأثیر سعدی و حافظ شیرازی است"، در ۴ محور ذیل مورد بررسی قرار داده و به اثبات رسانده است.

(۱) محور زبانی و ترکیبات مشابه و یکسان.

(۲) محور زیبایی‌شناسی ادبی و زیبایی‌های بدیعی و بیانی مشابه و یکسان.

(۳) محور موسیقی بیرونی و کناری یکسان.

(۴) محور درونمایه و مضامین شعری مشابه.

**واژگان کلیدی:** سحاب، سعدی، حافظ، شعر فارسی، غزل، دوره‌ی بازگشت ادبی.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات و مقدمه .....
۲	۱- مقدمه .....
۲	۱-۱- سبک بازگشت .....
۵	۲-۱- زندگینامه‌ی سحاب اصفهانی .....
۶	۳-۱- شعر سحاب اصفهانی .....
۷	۴-۱- اهداف تحقیق .....
۷	۵-۱- اهمیت و پیشینه‌ی تحقیق .....
۸	۶-۱- سؤالات تحقیق .....
	۷-۱- فرضیه‌ها .....
۹	فصل دوم: محور زبانی و ترکیبات .....
۱۰	۱-۲- محور زبانی و ترکیبات .....
۱۰	۱-۱-۱. ترکیبات یکسان سحاب و سعدی .....
۱۹	۲-۱-۲. ترکیبات اضافی یکسان سحاب و سعدی .....
۲۲	۳-۱-۲. ترکیبات اضافی نزدیک به هم سحاب و سعدی .....
۲۴	۴-۱-۲. ترکیبات وصفی یکسان سحاب و سعدی .....
۱۷	۵-۱-۲. ترکیبات وصفی نزدیک به هم سحاب و سعدی .....
۱۷	۲-۲- ترکیبات یکسان سحاب و حافظ .....
۲۲	۱-۲-۱. ترکیبات اضافی یکسان سحاب و حافظ .....
۱۹	۲-۲-۲. ترکیبات اضافی نزدیک به هم سحاب و حافظ .....
۲۲	۳-۲-۲. ترکیبات وصفی یکسان سحاب و حافظ .....
۲۴	۴-۲-۲. ترکیبات وصفی نزدیک به هم سحاب و حافظ .....
۲۷	فصل سوم: محور زیبایی‌های بدیعی و بیانی .....
۲۸	۳-۱- محور زیبایی‌ها بدیعی و بیانی .....
۲۸	۳-۲- عناصر بیانی یکسان در سحاب و سعدی .....
۲۸	۳-۲-۱. تشبیه در سحاب و سعدی .....
۳۰	۳-۲-۲. تشبیهات اضافی یکسان سحاب و سعدی .....
۳۱	۳-۲-۳. تشبیهات اضافی نزدیک به هم سحاب و سعدی .....
۳۲	۳-۳- استعاره .....
۳۲	۳-۳-۱. استعارات مصرحه‌ی یکسان سحاب و سعدی .....
۳۲	۳-۳-۲. استعارات مصرحه‌ی اضافی یکسان سحاب و سعدی .....
۳۴	۳-۳-۳. استعارات مصرحه‌ی اضافی نزدیک به هم سحاب و سعدی .....

۳۴	..... ۴-۳-۳. استعارات اضافی مکنیه(تشخیص) یکسان سحاب و سعدی
۳۵	..... ۵-۳-۳. استعارات اضافی مکنیه(تشخیص) نزدیک به هم سحاب و سعدی
۳۵	..... ۶-۳-۳. ترکیبات لغزان میان تشبیه و استعاره‌ی یکسان و نزدیک به هم سحاب و سعدی
۳۶	..... ۴-۳-۴. بدیع در سحاب و سعدی
۳۶	..... ۱-۴-۳. جناس تام
۳۶	..... ۲-۴-۳. حُسن تعلیل
۳۶	..... ۳-۴-۳. ایهام
۳۹	..... ۵-۳-۵. بیان در سحاب و حافظ
۳۹	..... ۱-۵-۳. تشبیه
۴۰	..... ۲-۵-۳. تشبیهات اضافی یکسان سحاب و حافظ
۴۲	..... ۳-۵-۳. تشبیهات اضافی نزدیک به هم سحاب و حافظ
۴۳	..... ۶-۳-۶. استعاره
۴۳	..... ۱-۶-۳. استعارات مصرحه‌ی یکسان سحاب و حافظ
۴۴	..... ۲-۶-۳. استعارات مصرحه‌ی اضافی یکسان سحاب و حافظ
۴۵	..... ۳-۶-۳. استعارات مصرحه‌ی اضافی نزدیک به هم سحاب و حافظ
۴۶	..... ۴-۶-۳. استعارات مکنیه(تشخیص) اضافی یکسان سحاب و حافظ
۴۶	..... ۵-۶-۳. استعارات مکنیه(تشخیص) اضافی نزدیک به هم یکسان سحاب و حافظ
۴۷	..... ۶-۶-۳. ترکیبات لغزان میان تشبیه و استعاره سحاب و حافظ
۴۷	..... ۷-۳-۷. عناصر بدیعی یکسان در سحاب و حافظ
۴۷	..... ۱-۷-۳. استخدام یکسان در سحاب و حافظ
۴۷	..... ۲-۷-۳. ایهام ساختاری یکسان در سحاب و حافظ
۵۱	..... ۳-۷-۳. متناقض‌نما(پارادوکس) یکسان در سحاب و حافظ
۵۲	..... <b>فصل چهارم: محور موسیقی بیرونی و کناری</b>
۵۴	..... ۱-۴-۱. محور موسیقی بیرونی و کناری
۵۵	..... ۲-۴-۲. موسیقی بیرونی و کناری سحاب و سعدی
۵۵	..... ۱-۲-۴-۱. یکسانی وزن، قافیه و ردیف سحاب و سعدی
۵۵	..... ۲-۲-۴-۲. یکسانی وزن و ردیف و تفاوت قافیه سحاب و سعدی
۵۷	..... ۳-۲-۴-۳. یکسانی وزن و قافیه و تفاوت ردیف سحاب و سعدی
۶۰	..... ۴-۲-۴-۴. یکسانی وزن و قافیه بدون ردیف سحاب و سعدی
۶۲	..... ۳-۴-۳. موسیقی برون‌ی و کناری سحاب و حافظ
۶۲	..... ۱-۳-۴-۱. یکسانی وزن، قافیه و ردیف سحاب و حافظ
۶۴	..... ۲-۳-۴-۲. یکسانی وزن و ردیف و تفاوت قافیه سحاب و حافظ
۶۷	..... ۳-۳-۴-۳. یکسانی وزن و قافیه و تفاوت ردیف سحاب و حافظ
۷۴	..... ۴-۳-۴-۴. یکسانی وزن و قافیه بدون ردیف
۷۶	..... <b>فصل پنجم: محور درونمایه‌ها و مضامین</b>
۷۷	..... ۱-۵-۱. محور درونمایه و مضامین
۷۸	..... ۱-۱-۵-۱. مضامین و درونمایه‌های مشترک سحاب و سعدی

۸۵	..... ۱-۶- مضامین و درونمایه های مشترک سحاب و حافظ
۹۹	..... نتیجه گیری
۱۰۳	..... منابع و مأخذ



# فصل اول

## کلیات و مقدمه

۱-۱- سبک بازگشت:

نهضت بازگشت ادبی از نیمه‌ی دوم قرن دوازدهم آغاز شد و تا دوران مشروطیت ادامه داشت. اوایل قرن دوازدهم استقلال هند رو به زوال می‌رفت و پادشاهان آن سرزمین چون اجدادشان مجال توجه به شعر را نمی‌یافتند، از سویی پس از حمله افغان‌ها به ایران (در سال ۱۱۳۴ ه.ق) که پیامد آن ضعف و سقوط دولت صفویه بود، و با به قدرت رسیدن نادر شاه افشار، ادبیات نیز در ایران دستخوش تغییر و تحول شد.

در پایان عهد صفوی در اصفهان اندک اندک ناخشنودی ناقدان سخن و صاحبان ذوق و هنر از روشی که در شعر پارسی پدید آمده و مقبول گویندگان ایران و هندوستان شده بود، آشکار گشت. و این «منطقی است که حکومت شاه سلطان حسین نالایق، پایان گرفتن فاجعه‌بار خاندان صفوی و سنگدلی‌های نادر با سست شدن کوشش‌های ادبی همراه شود» (ریپکا، ۱۳۸۳: ۵۵۰). و بر اثر همین ناخشنودی ناقدان سخن و صاحبان ذوق و هنر از روش به وجود آمده و همچنین «معما گونگی کلام، ابتذال ذهن و زبان و سخیف اندیشی‌های شاعران نازل این سبک، کار را به مرحله‌ای کشاند که شاعران آوار بعد در جهت پاسداشت زبان و میراث ادب فارسی، به سبک‌های گذشته رجعت نمایند و به شیوه‌ی شاعرانی چون: فردوسی، فرّخی، سعدی، حافظ و حتی بابافغانی روی آورند» (روزبه، ۱۳۷۹: ۱۵). زیرا این دسته معتقد بودند که شیوه شاعرانی از قبیل کلیم کاشانی و صائب تبریزی و وحید قزوینی و نظایر آنان خلاف فصاحت و دور از اصول بلاغتی است که در زبان فارسی وجود دارد و باید آنرا ترک گفت و به شیوه‌ای که همواره مقبول سخن‌شناسان و ناقدان و شاعران استاد بوده است روی آورد.

عبدالحسین زرّین‌کوب عباراتی را از ریاض الشعراء واله داغستانی چنین آورده است «...در ذکر معاصرین خصوص شعرای هندوستان به قلیل اکتفا نمود چه اکثر افکار این جماعت مزخرف و لاطایل است و غرض راقم حروف در تسوید این اوراق آن است که به قدر مقدور اشعار بلند و افکار ارجمند فراهم آید نه این که جمعی کثیر از موزونان را ذکر نماید» (عبدالحسین زرّین‌کوب، ۱۳۸۴: ۲۵۰). این شاعران هر چند گه گاه اشعار نسبتاً خوبی هم دارند اما بیشتر نیروی خود را صرف محکوم کردن شیوه هندی کرده و اکثراً از پیشینیان تقلید کرده اند و سعی در احیای زبان سبک خراسانی و عراقی داشتند. «هدف این گروه رهایی بخشیدن شعر فارسی از تباهی و فقر دوره‌ی انحطاط صفوی و زمان آشوب و اغتشاش بعد از آن بود اما برای رسیدن بدین منظور راه

دیگری جز "بازگشت" به سبک و شیوهی قدیم... نمی‌دانستند» (آرین‌پور، ۱۳۵۱: ۱۵). و البته در آن زمان راهی جدید برای جلوگیری از انحطاط بیشتر سبک هندی بود.

از زمان انقراض سلطنت صفویه تا زمان پادشاهی فتحعلی‌شاه قاجار دوره فترت در شعر است «دوره‌ی بین انقراض صفویه تا آغاز سلطنت فتحعلی‌شاه را که از نظر شعری دوره‌ی فقیری است دوره‌ی فترت می‌نامند» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۳۰۵). زیرا نادرشاه به شعر و شاعری رغبتی نشان نمی‌داد؛ «شعرا هم به او اعتنایی نداشتند. کریم‌خان معلوم نیست صله‌ی شعری به کسی داده باشد اما هرچه هست روزگار کریم‌خان با این‌گونه اشتغالات ادبی و هنری سازگارتر بود» (آرین‌پور، ۱۳۵۱: ۱۳). در زمان کریم‌خان کم‌کم پایه‌های این نهضت شکل گرفت و البته «کریم‌خان زند نیز نتوانست در زمینه‌ی هنر و فرهنگ گام مؤثری بردارد با این حال، پایه‌های مکتب بازگشت در همین دوره در حال پی‌ریزی بود» (بهار، ۱۳۳۷: ۱۳۷).

در واقع شروع نهضت بازگشت ادبی را باید از اواخر دوره‌ی افشاریه و زندیه و کمی قبل از اینکه فتحعلی‌شاه سخندانان را در دربارش گرد آورده؛ دانست که ذهن شاعران از سبک هندی آزاده شد و زمینه برای نهضت بازگشت آماده شد در زمان سلطنت آغامحمدخان قاجار، عبدالوهاب نشاط اصفهانی انجمن ادبی در همان شهر تشکیل می‌داد و شاعران را به سرودن اشعاری به شیوه قدما، خاصه به سبک عراقی، تشویق کرد. اما اوج پاگیری این رویکرد در زمان فتحعلی‌شاه بود. «بنا به نوشته‌ی محمد بهار به سخن دقیق زمان برآمدن قاجاریان و به سخن دقیق‌تر زمان پادشاهی فتحعلی‌شاه را - زیرا سلف او آغامحمدخان مردی وحشی بود که هرگز به ادبیات علاقه‌ای نداشت - باید دروان تازه‌ی شعر پارسی بدانیم» (ریپکا، ۱۳۸۳: ۵۵۱). پس از قتل آغامحمدخان برادرزاده‌اش فتحعلی‌شاه به تخت سلطنت نشست که اوج نهضت بازگشت در زمان پادشاهی او به وقوع پیوست. «فتحعلی‌شاه خود شعر می‌گفت و تخلصش "خاقان" بود و در اطراف او شاعرانی گردآمده بودند» (براون، ۱۳۶۹: ۲۶۳). ایجاد دربار باشکوه فتحعلی‌شاه و تثبیت حکومت مرکزی باعث شد تا شاعران دوباره در دربار جمع شوند و به مدح پادشاهان بپردازند. سلاطین قاجار خود را با سلاطین غزنوی و سلجوقی ماننده می‌دانستند و لذا از شاعران انتظار قصاید مدحی داشتند.

نهضت بازگشت از شهر اصفهان شروع شد، هر چند که در دوره‌ی استیلای افغانها و عصر انحطاط و افول پس از آن، شهر آباد اصفهان ویران شده بود و دیگر مقر حکومت و مرکز اصلی سیاست نبود و مردم آنجا، از جمله اهل علم و ادب، در بلاد متعدّد پراکنده شده بودند. پس از اصفهان، شیراز و تهران و شهرهای دیگر نیز به این نهضت گراییدند. پیشگام این رُسناس ادبی "مُشتاق اصفهانی" بود. «با آنکه مسؤول واقعی این جریان را

نمی‌توان آنگونه که بعضی منتقدان پنداشته‌اند تنها ذوق و سلیقه‌ی امثال مشتاق و آذر و صباحی دانست... اما کاروان‌سالار این طریق مشتاق اصفهانی است که آذر بیگدلی و صباحی و صهبا و اکثر شعراء دیگر این عصر قواعد نظم و نثر را از وی استفاده کردند» (زرین‌کوب، ۱۳۸۴: ۱۵۲). شاعران دوره‌ی بازگشت با تتبع در آثار گذشتگان و مانوس شدن با افکار آن‌ها سعی کردند از انحطاط زبان جلوگیری کنند. «مخالفت پیشوایان ادبی دوره‌ی اخیر با سبک صفویه تا حدودی بجا و بلکه لازم و ضروری بود چه برآستی در اواخر قرن یازده و نیمه‌ی قرن دوازدهم انحطاطی در ادبیات راه یافته و نزدیک بود چراغ فروزان شعر و ادب به یکباره خاموش شود» (مؤتمن، ۱۳۳۹-۳۹۴).

آثار شاعران دوره‌ی بازگشت از نظر معنی و صورت تحت تأثیر قدما بود و با توجه به نوع قالب و مضمون شعری به دو شیوه‌ی عراقی و خراسانی نظر داشتند. زبان شاعران نخستین نهضت بازگشت از قبیل مشتاق و آذر و صباحی خام و ابتدایی است که نشان می‌دهد که آداب‌ای این دوره از متون قدیم و فصیح و بلیغ زبان فارسی بیگانه بودند یا با آنها انس کافی نیافته بودند اما زبان پیروان آنها در اشعارشان به تدریج پخته‌تر می‌شود و بعدها به سرعت بر اثر ممارست در متون قدیم زبان آن‌ها تعالی می‌یابد، به طوری که زبان برخی از این شاعران را به زحمت می‌توان از زبان قدما باز شناخت و در اشعارشان فصاحت و بلاغت قدما آشکار می‌شود. قالب‌های رایج این دوره نیز مانند قدما قصیده و غزل بوده‌است، در غزل از شاعران عصر مغول تقلید می‌کردند «در مورد غزلسرایی از شیوه‌ی استادان دوره‌ی مغول که عصر کمال غزل است تقلید می‌نمودند» (مؤتمن، ۱۳۳۹: ۳۹۸).

از نظر فکری شاعران این دوره سعی در بیان همان افکار مرسوم در عهد غزنوی و سلجوقی را داشتند. مضامین غزلیات چون به تقلید از گذشتگان سروده می‌شده نوآوری ندارد. «در دوره‌ی بازگشت ادبی، غزل مورد توجه شاعران بود. مضمون غزل دوره‌ی بازگشت بیشتر عاشقانه بود که با همان مضمون و اندیشه‌ی شاعران گذشته سروده می‌شد» (صبور، ۱۳۷۰: ۶۴۶). از لحاظ صورخیال نیز غزل مانند آثار قدما بود «استعاره و تشبیه و مجاز تازه بسیار کم است و از این‌رو زبان نیز محدود به قدماست» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۹۹). در سرودن قصاید به شاعرانی همچون خاقانی و عنصری و فرخی و انوری نظر داشتند و در غزل به سعدی و حافظ. «غزل بیشتر سعدی‌وار است یا تلفیقی از شعر سعدی و حافظ» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۳۱۹).

ارزش این دوره این است که مشتمل بر نقاوه و خلاصه‌ای از همه‌ی سبک‌ها و جریانات مهم ادبی دوره‌های قبل است. «اگرچه شاعران این دوره کمتر توفیق مضمون‌سازی و نوآوری را بدست آوردند اما در جای خود

کمک بزرگی به احیاء زبان و ادبیات کهن ایران و زنده نگاه داشتن خاطره‌ی سرایندگان قدیم انجام دادند» (خاتمی، ۱۳۷۱: ۵۴).

میرزا سید محمد متخلص به سحاب اصفهانی از جمله شاعران و غزلسرایان برجسته‌ی دوره‌ی بازگشت ادبی می‌باشد که در ادامه به شرح زندگی‌نامه و احوال او می‌پردازیم:

## ۱-۲- زندگینامه‌ی سحاب اصفهانی:

میرزا سید محمد متخلص به سحاب اصفهانی و ملقب به مجتهدالشعرا از شاعران معروف در عهد سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار بوده‌است، آنگونه که از تذکره‌ها برمی‌آید سال تولدش مشخص نیست. او فرزند سیداحمد هاتف اصفهانی است که او نیز از شاعران بنام این عهد است و از سادات حسینی اصفهان است. او اصلاً از مردم اردوباد آذربایجان است، تبریزی در کتاب دانشمندان آذربایجان «سحاب اصفهانی و پدرش احمد هاتف اصفهانی را به اعتبار اینکه جد اعلاشان در زمان سلاطین صفویه از اردوباد به اصفهان رفته‌اند در شمار شعرای آذربایجان آورده است» (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۶۲۰).

سحاب در خانواده‌ای اهل ذوق و شعر پرورش می‌یابد به گونه‌ای که «پدرش هاتف، شاعر و حکیم اواخر عهد زندیه به‌شمار می‌رفت، خواهرش بیگم متخلص به رشحه شاعر بود. حتی یک غلام حبشی که او زر خرید سحاب بود چون در نزد او قریحه‌ی خود را پرورش داد بر سبک قدما و بر شیوه‌ی سحاب و رشحه، شعر نیکو می‌گفت» (زرین‌کوب، ۱۳۸۴: ۱۶۶). وی در دامان پدر ادیبش به مطالعه‌ی ادبیات فارسی و عربی و اشعار شعرای قدیم ایران پرداخت و طب و نجوم را از او آموخت. او از جوانی شعر سرودن را آغاز کرد «تحصیل علوم رسمی به قدر کفاف نموده و در جوانی به اعتبار پدر زبان به نظم گشود» (نواب شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۴۵). او در جوانی به دربار فتحعلی‌شاه راه یافت و شاه که به شعرا احترام می‌گذاشت او را گرمی داشت و به او لقب مجتهدالشعراپی داد. «در کاشان با فتحعلی‌خان صبا که از شاگردان صباحی و ستایشگران پدرش، هاتف بود آشنایی داشت. به اهتمام صبا در اوایل عهد خاقان به دستگاه دیوانی راه یافت و یک‌چند داروغه‌ی دیوان‌خانه شد» (زرین‌کوب، ۱۳۸۵: ۴۸۴).

سحاب زمان نسبتاً طولانی شاعر دربار بود. در جوانی به عیش و عشرت می‌گذرانید و از نظر نعمت‌های دنیوی بی‌نیاز بود اما این کار خوشایند او نبود. «به‌نظر می‌رسد که این فن موجبات خرسندی خاطرش را فراهم نمی‌کرده چنان که سرانجام از چکامه‌سرایی به‌ویژه ستایشگری کناره گرفت و زاویه‌ی عزلت‌گزید» (کرمی، ۱۳۶۹: ۴). او در زمان پیری از مناهای خویش توبه کرد و اوقات خود را مصروف عبادت کرد و به

حج رفت. باقی عمر خویش را هم در انزوا گذرانید و در سال ۱۲۲۲ ه.ق در عزلت و تنهایی بدرود حیات گفت. «در سال یک‌هزار و سیصد و بیست و دو به آباب عظام و اجداد کرام پیوست و به امر پادشاهی جسدش را به نجف اشرف نقل نمودند» (میرزا قاجار، ۱۳۴۶: ۳۶۱).

### ۳-۱ - شعر سحاب:

سحاب علاوه بر شاعری در فنون ادبی، شعرشناسی، صنایع بدیعی و عروض نیز تبخّر داشت. آنچه از نسخه‌های دیوان اشعار او در دست است بیش از چهارهزار بیت نیست اما بیشتر از آن نیز ذکر کرده‌اند؛ «این دیوان مشتمل بر حدود پنج‌هزار بیت است» (براون، ۱۳۶۹: ۲۷۰). محمود میرزا قاجار در سفینه‌المحمود دیوان او را هشت‌هزار بیت ذکر کرده است «دیوانی قریب به قدر هشت هزار بیت دارد» (میرزا قاجار، ۱۳۴۶: ۳۶۱).

دیوان او شامل غزل، قصیده، قطعات و رباعیات می‌شود. او همچنین کتابی دارد در مراثی و مغازی سیدالشهدا به نظم و نثر به نام "سحاب البكاء" یا "روضه البكاء" و تذکره‌ای در شرح احوال و خاطرات شاعران معاصر خویش و به نام فتحعلی‌شاه تألیف کرد که به اتمام نرسید. دیوان شعرش در زمان فتحعلی‌شاه به چاپ رسید که به شدت مورد توجه شاه قرار گرفت. «یک نسخه‌ی آن را فتحعلی‌شاه به اوسلی سفیر فوق‌العاده‌ی انگلیس در دربار ایران هدیه کرده است» (آرین‌پور، ۱۳۵۱: ۳۵).

اشعار سحاب ساده و روان و گیراست و تمامی ابیات آن یکدست است، «ذوق و قریحه‌ی شاعری و سخن‌سرای سحاب برای وی میراثی گرانبها به یادگار مانده از پدرش هاتف اصفهانی که است که ادوارد براون از او به عنوان آخرین شاعر بزرگ ایران در قرن هیجدهم میلادی یاد می‌کند» (کرمی، ۱۳۶۹: ۳). دکتر زرین‌کوب نیز موافق این قول است: «لطف و روشنایی بیان را در قصاید و غزلیات ظاهراً سحاب مدیون تربیت پدرش هاتف باشد» (زرین‌کوب، ۱۳۸۵: ۴۸۴). سحاب مانند هم‌عصران خود به سبک قدما شعر می‌سرود اما از شیوه‌ی شاعری معمول عصر خود اظهار دلتنگی می‌کرد و در مورد شاعران عصر خود که اشعارشان سراسر تقلید صرف بود و از معنای عالی تهی بود در شعری گفته:

از بهر مصرعی دو که مضمون دیگریست      چندین خیال جاه و تمنّای مال چيست

«البته شاید این داوری و نوع برخورد سحاب بیش از اینکه از مناعت طبع او باشد، از آگاهی او به نقد شعر و در نتیجه به وقوف وی از سطح نازل شعر بازگشتی بوده» (لنگرودی، ۱۳۷۵: ۱۴۳).

سحاب در قصائد خود از شاعران سبک ششم از جمله دو استاد بزرگ و مسلم قصیده یعنی انوری و خاقانی با مهارتی شگفت انگیز پیروی کرده و به نیکی از عهده‌ی این تقلید برآمده است. در سرودن غزلیات خویش به

شاعران قرن هفتم و هشتم توجه داشت که آن چه در این پژوهش قصد اثبات آن را داریم تأثیرپذیری سحاب از دو استاد مسلّم غزل در قرن هفتم و هشتم، یعنی سعدی و حافظ شیرازی است که اشعار بلندمرتبه‌ی آن‌ها مورد استقبال جمع کثیری از شاعران بعد از خود قرار گرفته است. توجه به زیبایی کلمه و سادگی و خوش آهنگی که در واقع سبک خاص سعدی است در غزل تأثیر می‌گذارد و شاعران بسیاری از او تقلید می‌کنند، ولی حافظ تحوّلی بزرگ در غزل فارسی ایجاد می‌کند و سبکی مستقل و آزاد می‌آفریند. «بی هیچ گزاف‌گویی، حافظ سلطان و سرآمد غزل است و غزل شیوایش فقط یک همتای قابل قیاس و مقایسه دارد و آن غزل شیرین سعدی است. هر چه سعدی حلاوت دارد، حافظ ملاحظت دارد. سخن حافظ کمال کلام فارسی است با درون‌مایه‌های متنوع‌تر و گسترده‌تر و رنگارنگ‌تر از هر شاعر دیگر در طول تاریخ و عرض جغرافیای زبان فارسی» (خرّمشاهی، ۱۳۷۴: ۱۱۷). سحاب هم‌چون سایر شاعران دوره‌ی بازگشت که سعی در احیای زبان فارسی داشتند به استقبال از شاعران برجسته‌ی قرن‌ها پیش از خود پرداخت.

او در غزل از برترین شاعران این قالب که در سبک عراقی شعر می‌سرودند؛ یعنی حافظ و سعدی تأثیر فراوان پذیرفته است که جُستار حاضر در چهار فصل جداگانه با عناوین زیر به بررسی تأثیرپذیری سحاب اصفهانی از حافظ و سعدی می‌پردازد:

۱. محور واژگان و ترکیبات؛
۲. محور زیبایی‌های بدیعی و بیانی؛
۳. محور موسیقی بیرونی و کناری؛
۴. محور مضامین و درونمایه‌های شعری.

#### ۴-۱- اهداف تحقیق:

هدف از نگارش این رساله بررسی، تبیین و شناخت تأثیرپذیری سحاب اصفهانی؛ یکی از شاعران برجسته‌ی دوره‌ی بازگشت ادبی از اشعار حافظ و سعدی، با بررسی محورهای زبانی، موسیقایی، زیبایی‌شناسی و مفاهیم و مضامین مشترکی است که میان اشعار سحاب اصفهانی و این دو شاعر بنام غزل در سبک عراقی وجود دارد.

#### ۵-۱- اهمیت و پیشینه‌ی تحقیق:

اهمیت و نوآوری این رساله در این است که؛ در زمینه‌ی تأثیرپذیری سحاب اصفهانی، از حافظ و سعدی، تاکنون تحقیقی مستقل صورت نگرفته است، و این مسأله ضرورت تحقیق در این مورد را، جهت بازبانی تأثیرات

سعدی و حافظ، بر این شاعر دوره‌ی بازگشت ادبی ایجاب می‌کند. در این تحقیق چگونگی تأثیرپذیری غزل سحاب از نظر زبان و معنا از مکتب‌های پیش از خود، یعنی شعر شاعران برجسته‌ای همچون سعدی و حافظ به اثبات می‌رسد.

#### ۱-۶- سوالات تحقیق:

- آیا سحاب اصفهانی، در اشعارش از نظر واژگان و ترکیبات، از سعدی و حافظ، تأثیر پذیرفته است؟  
- آیا سحاب اصفهانی، در اشعارش از نظر عناصر زیبایی‌شناسی (فنون بلاغی)، از سعدی و حافظ، تأثیر پذیرفته است؟

- آیا سحاب اصفهانی، در موسیقی اشعارش، از سعدی و حافظ، تأثیر پذیرفته است؟  
- آیا سحاب اصفهانی، در محور اندیشه و مضامین شعری، از سعدی و حافظ، تأثیر پذیرفته است؟

#### ۱-۷- فرضیه‌ها:

- سحاب اصفهانی، در اشعارش از نظر زبان و واژگان، از سعدی و حافظ، تأثیر پذیرفته است.  
- سحاب اصفهانی، در اشعارش از نظر عناصر زیبایی‌شناسی، از سعدی و حافظ، تأثیر پذیرفته است.  
- سحاب اصفهانی، در موسیقی اشعارش، از سعدی و حافظ، تأثیر پذیرفته است.  
- سحاب اصفهانی، در محور اندیشه‌ی شعری، از سعدی و حافظ، تأثیر پذیرفته است.





## فصل دوم

### محور زبانی و ترکیبات

## ۲-۱- محور زبانی و ترکیبات:

"کلمه" کوچکترین اجزای گفتار در شعر نقش اساسی دارد و سزاوار است که به شعر از دیدگاه به‌کار رفتن کلمات نگریسته شود. زیرا آنچه شعر را از نثر جدا می‌سازد، علاوه بر وزن و قافیه، کلمات مخصوص شعری است. زیبایی و نیروی کلمه در ساختمان شعر تأثیری سحرآمیز دارد. کلمه تنها وسیله و ابزار ابلاغ معنی نیست بلکه تأثیر آن در خواننده و شنونده انکار ناپذیر است. خصوصیت توسعه‌پذیری و تعمیم‌یابی پر قدرت کلمات شاعر نیز از حُسن ترکیب این مفاهیم و کلمات برمی‌خیزد. ترکیبات در اشعار واژگانی جدید را خلق می‌کنند. «ترکیب یک خصلت زبانی است که از دو کلمه‌ای که دارای معنی جداگانه‌ای هستند، معنی جدیدی می‌سازد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۸).

ابتدا سعدی در قرن هفتم و بعد از او حافظ در قرن هشتم به غزل پارسی غنا بخشیدند، از جمله در انتخاب مناسب‌ترین واژگان برای غزل. «زبان غزل نسبت به قصیده، واژگان محدودتر و واژگان نرم‌تر و ملایم‌تری دارد و این واژگانی است که سعدی در انتخاب و جا انداختن آن بیشترین سهم را داشته است. حافظ ادامه‌دهنده‌ی همین سنت است و وسواس او در انتخاب کلمه به خوبی آشکار است» (موحد، ۱۳۷۸: ۱۱۷).

در این بخش، آن دسته از ترکیبات شعرِ سحاب که متأثر از شعر سعدی و حافظ است در دو مقوله‌ی: "ترکیبات اضافی" و "ترکیبات وصفی" مورد بررسی قرار می‌گیرد و شباهت ترکیبات سحاب و این دو شاعر بلندپایه‌ی سبک عراقی که نشان از ارتباط عمیق و استقبال او از آنها دارد، مورد بررسی و کاوش قرار می‌گیرد. در ادامه نمونه‌هایی از ترکیبات اضافی یکسان و نزدیک به هم بصورت جداگانه در شعر سحاب و سعدی و سحاب و حافظ ذکر می‌شود. البته برای جلوگیری از اطاله‌ی کلام، پس از ذکر چند مورد، بقیه موارد به صورت الفبایی ارجاع داده شده است:

## ۲-۱-۱- ترکیبات یکسان سحاب و سعدی:

در اشعار سحاب که همچون سعدی موضوع غالب عشق است، ترکیبات شعری که متأثر از سعدی است نیز با مضامین عشق، وصف یار و زیبایی‌های اوست:

## ۲-۱-۲- ترکیبات اضافی یکسان سحاب و سعدی:

۱. سعدی: خواهم که بیخ صحبتِ اغیار برکنم در باغ دل رها نکنم جز نهال دوست (۹۷-۴)<sup>۱</sup>  
سحاب: صحبتِ اغیار داد ره به دلش کینه را زشت کند روی زشت طلعت آیینه را (۲۸-۱)

<sup>۱</sup> . عدد اول شماره‌ی غزل و عدد دوم شماره‌ی بیت است.

۲. سعدی: پایم از قوتِ رفتار فرو خواهد ماند / سحاب: میل ماندن در سر کویش ز رشک مدعی
- خُنک آن کس که حذر گیرد و نیکو برود ۳-۲۸ / سحاب: نبود قوتِ رفتار به پای طلب من
- نیست اما قوتِ رفتار می‌باید مرا ۵-۲۲ / سحاب: برفت رونق بازار آفتاب و قمر
- ورنه تا منزل جانان قدمی بیش نباشد ۲-۱۶۲ / سعدی: ز ما به یک نظر بستاند هزار دل
- از آن که ره به دکان تو مشتری آموخت ۵-۳۲ / سحاب: هر که را از نگه این می‌کشد آن زنده کند
- این آبروی و رونق بازار بنگرید ۳-۲۹۲ / سعدی: کمند سعدی اگر شیر شرزه صید کند
- چشم او کرده فزون رونق بازار لبش ۲-۱۹۸ / سحاب: ز رشک صید دلم تا فتاده در دامت
- تو در کمند نیایی که آهوی حرمی ۱۰-۵۹۶ / موارد دیگر: آب چشم (سعدی: ۲-۱۱۷، ۶-۲۴۱، ۵-۲۴۵، ۵-۲۷۰، ۷-۲۷۶، ۶-۴۱۱، ۳-۴۴۵، ۷-۶۳۱ / سحاب: ۴-۲۶)، آرام جان (سعدی: ۹-۶، ۸-۱۵، ۹-۵۹، ۹-۷۳، ۱-۲۱۵، ۱-۲۶۸، ۱-۲۶۸، ۳-۳۱۲)، اسیر دام (سعدی: ۴-۵۱۸ / سحاب: ۱-۲۲۹)، امید عفو (سعدی: ۶-۴۴ / سحاب: ۴-۱۸۹)، امید وفا (سعدی: ۲-۱۰۰، ۶-۱۰۰ / سحاب: ۶-۲۳۲)، بانگ جرس (سعدی: ۳-۱۷ / سحاب: ۴-۲۹۴)، بیمار فراق (سعدی: ۷-۴۴۶ / سحاب: ۲-۲۱۸)، خیال وصل (سعدی: ۵-۵۳۰، ۱۰-۴۷۴ / سحاب: ۸-۲۸۷)؛
- درد عاشقی (سعدی: ۶-۲۷۰ / سحاب: ۳-۱۵۴)، درد عشق (سعدی: ۱-۱۱۴، ۸-۱۱۸، ۲-۱۶۷، ۹-۳۰۰، ۹-۳۴۲-۴، ۳-۳۴۳، ۱۰-۴۹۷ / سحاب: ۳-۲۸۶)، دست امید (سعدی: ۶-۴۰۶ / سحاب: ۵-۹۲)، دور فلک (سعدی: ۲۶-۵۲، ۶-۵۸۴ / سحاب: ۶-۴۴)، رحمت حق (سعدی: ۳-۵۸۷ / سحاب: ۷-۲۷۳)، زمزمه‌ی عندلیب (سعدی: ۸-۳۵۸ / سحاب: ۳-۱۸)؛
- سایه‌ی زلف (سعدی: ۱-۹۴ / سحاب: ۱-۱۶۱)، سر عشق (سعدی: ۸-۵۵، ۵-۱۹۸، ۱۹-۲۲۵، ۱-۴۰۵ / سحاب: ۳-۹۷)، صحبت یار (سعدی: ۶-۴۸ / سحاب: ۱-۷۲)، صنع خدا (سعدی: ۱۰-۶، ۴-۴۶ / سحاب: ۱۷۳-۴)، طمع وصل (سعدی: ۹-۴۳۱ / سحاب: ۶-۱۱۲، ۲-۲۱۵)؛
- غایت مقصود (سعدی: ۷-۴۸، ۱-۱۰۴ / سحاب: ۸-۲۷۹)، غوغای قیامت (سعدی: ۱-۵۸۴ / سحاب: ۳-۱۴۲)، فتنه‌ی چشم (سعدی: ۷-۱۱ / سحاب: ۴-۲۷)، فریادِ دادخواه (سعدی: ۴-۶۳۶ / سحاب: ۲-۳۰۵)؛

کوی خرابات (سعدی: ۴-۴۵۴ / سحاب: ۲-۱۵۷)، مرغانِ چمن (سعدی: ۵-۵۱، ۲-۵۸، ۲-۲۱۴، ۳-۲۵۶، ۳-۳۸۸-۴، ۵-۴۴۲ / سحاب: ۶-۷۹، ۵-۱۱۸، ۶-۱۷۲، ۳-۲۶۴)، مرغِ سحر (سعدی: ۵-۵۷۹ / سحاب: ۱-۱۳۵)، مستِ خواب (سعدی: ۹-۱۹۸ / سحاب: ۳-۷۲)، موسمِ گل (سعدی: ۵-۴۴۷ / سحاب: ۴-۱۸۹)؛  
واقفِ اسرار (سعدی: ۳-۵۲ / سحاب: ۶-۷۱)، وعده‌ی دیدار (سعدی: ۷-۱۸۴ / سحاب: ۲-۲۲۸).

### ۳-۱-۲- ترکیبات اضافی نزدیک به هم سحاب و سعدی:

۱. سعدی: ما را نظر به خیرست از حُسنِ ماهِ رویان هر کو به شر کند میل او خود بشر نباشد ۴-۱۹۸
  - سحاب: هست هر آغاز را انجامی از پی وین زمان از پی آغاز حُسنِ نیکوان انجام نیست ۴-۹۱
  ۲. سعدی: اگر گل را نظر بودی چو نرگس تا جهان بیند ز شرمِ رنگِ رخسارش چو نیلوفر در آبستی ۲-۵۲۶
  - سحاب: پوشد اگر نهان نکنی در نقاب رُخ از شرمِ آفتابِ رُخت، آفتاب رُخ ۱-۱۰۴
  ۳. سعدی: بندی مهر تو نیابد خلاص غرقه‌ی عشق تو نبیند کنار ۶-۲۹۷
  - سحاب: ما که ایم و کجاست کوی حبیب غرقه‌ی بحر عشق ساحل ماست ۲-۶۲
  ۴. سعدی: عاشق آن گوش ندارد که نصیحت شنود درد ما نیک نباشد به مداوای حکیم ۴-۴۳۱
  - سحاب: سوز دل رفع نگردد ز مداوای طبیب وصل یار است که بیماری دل را داروست ۶-۹۶
- موارد دیگر: (سعدی: ۵۲ آزارِ درویشان -۷ / سحاب: آزارِ کسان ۳-۳۰۳)، (سعدی: اسرارِ عشق ۴-۲۱۶ / سحاب: اسرارِ عاشقی ۱-۱۶۰)، (سعدی: اندوهِ زمانه ۵-۳۹۰ / سحاب: اندوهِ جهان ۶-۲۳۹)، (سعدی: بیدادِ نیکوان ۹-۲۶۲ / سحاب: بیدادِ بتان ۴-۲۵۹)، (سعدی: بیمارِ عشق ۵-۵۳۵ / سحاب: بیمارانِ دردِ عشق ۱-۱۵۴-۳)، (سعدی: بیمِ رقیب ۸-۶۰۱ / سحاب: بیمِ رقیبان ۶-۲۹۶)؛
- (سعدی: ترکِ ادب ۲-۶۲۴ / سحاب: ترکِ صلاح ۲-۱۰۱)، (سعدی: ترکِ عشق ۶-۲۰۸، ۸-۵۴۰ / سحاب: ترکِ عاشقی ۶-۲۲۴)، (سعدی: جفای بواب ۸-۲۶ / سحاب: جفای پاسبان ۷-۲۰۰)، (سعدی: جفای فلک ۳-۲۱۵، ۱۰-۳۷۱ / سحاب: جفای آسمان ۶-۲۴۰، جفاکاری گردون ۴-۲۲۵)، (سعدی: جورِ رقیب ۱۰-۴۷، ۵-۱۱۱، ۶-۱۱۴ / سحاب: جورِ دربان ۷-۲۰۰، جورِ پاسبان ۲-۲۲۶)؛
- (سعدی: چشمِ امید ۴-۳۶۱ / سحاب: چشمِ التفات ۶-۸۶، چشمِ لطف ۳-۲۷۳)، (سعدی: چشمِ بیدار ۱۱-۵۹، چشمِ بیداران ۶-۵۰۱ / سحاب: دیده‌ی بیدارِ عاشقان ۲-۲۹۸)، (سعدی: چشمِ تأمل ۶-۲۴۷ / سحاب: چشمِ التفات ۸-۳۱۳)، (سعدی: حدیثِ دوست ۴-۲۱۹، ۱۱-۳۸۶، ۶-۴۲۱ / سحاب: حدیثِ دوستی ۵-۱۰)، (سعدی: